



A Critical Study of Traditional Jurisprudence Approach to Women's Rights (Foundations and Challenges)

Dr. Ali Shafi'i, Doctoral student of the Department of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Torbat-e Heydariyeh Branch, Islamic Azad University, Torbat-e Heydariyeh, Iran



Dr. Mansour Amirzadeh Jirkoli,

Assistant Professor, Department of Fiqh and Basics of Islamic Law, Torbat-e Heydariyeh Branch, Islamic Azad University, Torbat-e Heydariyeh, Iran (Corresponding author)

Email: amirzadehj@yahoo.com

Dr. Mohammadreza Kazemi Golvardi, Assistant Professor, Fiqh and Fundamentals of Islamic Law Department, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran

Abstract

Women's rights are one of the important legal fields facing different views in traditional jurisprudence, all of which are rooted in foundations and methods. The fundamental question is what are the foundations and practical challenges of rebuilding the traditional jurisprudence approach to women's rights. Employing a critical-analytical approach and focusing on the findings of traditional jurists, the present article tries to answer the above question and identify areas in which the approach of traditional jurisprudence in the category of women's rights needs re-reading.

The findings of this research show that the challenges to the traditional approach and its foundations in women's rights are multiplying and increasing, so that it can bring the role of this jurisprudential approach in human life to a crisis, and this involves the need to update and modernize the traditional approach to jurisprudence in order to be present in the public and humanitarian sphere in the surrounding world. In this article, after explaining the concepts, only parts of the challenging foundations of the traditional approach to women's rights have been investigated, including the human personality, the legal personality and the spiritual personality of the woman.

Key words: critical analysis, women's rights, traditional jurisprudence, foundations of traditional jurisprudence, challenges of traditional jurisprudence.





HomePage: https://jfiqh.um.ac.ir/	سال ۵۵ - شماره ۲ - شماره پیاپی ۱۳۳ - تابستان ۱۴۰۲، ص ۱۴۷ - ۱۲۳
شاپا الکترونیکی ۲۵۳۸-۳۸۹۲	شاپا چاپی ۲۰۰۸-۹۱۳۹
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۱۹	تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۳/۲۲
DOI: https://doi.org/10.22067/jfiqh.2021.69293.1065	تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۱۹
	نوع مقاله: پژوهشی

خوانش انتقادی رویکرد فقه سنتی به حقوق زنان (مبانی و چالش‌ها)

دکتر علی شفیعی

دانش آموخته دکتری گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تربت حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه، ایران

دکتر منصور امیرزاده جیرکلی (نویسنده مسئول)

استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تربت حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه، ایران

Email: amirzadehj@yahoo.com

دکتر محمدرضا کاظمی گلوردی

استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

چکیده

حقوق زنان یکی از ساحت‌های مهم حقوقی است که در فقه سنتی با دیدگاه‌های متفاوت مواجه است که جملگی ریشه در مبانی و روش‌ها دارد. پرسش بنیادین، چیستی مبانی و چالش‌های عملی فراروی رویکرد فقه سنتی به حقوق زنان است. این نوشتار با رویکردی تحلیلی انتقادی و تمرکز بر ره‌آورد‌های فقیهان سنتی می‌کوشد به پرسش فوق پاسخ دهد و معلوم کند رویکرد فقه سنتی در مقوله حقوق زنان در چه ساحت‌هایی نیازمند بازخوانی است. ره‌آورد‌های این جستار نشان می‌دهد که چالش‌های متوجه رویکرد سنتی و مبانی آن در حقوق زنان در حال تکثیر و فراوانی است، به طوری که می‌تواند نقش‌آفرینی این رویکرد فقهی در زیست انسانی را با بحران مواجه سازد و این امر به ضرورت به‌روزرسانی و عصری‌سازی رویکرد سنتی به فقه برای حضور در ساحت عمومی و زیست انسانی در جهان پیرامون هشدار می‌دهد. در این نوشتار پس از تبیین مفاهیم، تنها پاره‌ای از مبانی چالش‌برانگیز رویکرد سنتی به حقوق زنان؛ همانند شخصیت انسانی، شخصیت حقوقی و شخصیت معنوی زن مورد بررسی واقع شده است.

واژگان کلیدی: تحلیل انتقادی، حقوق زنان، فقه سنتی، مبانی فقه سنتی، چالش‌های فقه سنتی.

مقدمه

فقه سنتی که در طول تاریخ رویکردهای مختلفی داشته است را می‌توان سامان‌دهنده وضع موجود جهان اسلام در عرصه‌های خصوصی و عمومی مسلمانان دانست و ره‌آوردها و آسیب‌های موجود در جوامع دینی را در پرونده فقه سنتی با همه رویکردهایش نگاشت. می‌توان ادعا کرد که فقه سنتی در جهان کهن خدماتش بسیار بیش از صدماتش بوده است؛ اما در جهان جدید نمی‌توان به راحتی این داوری همدلانه را داشت.

این رویکرد فقهی در حوزه مباحث مربوط به حقوق زنان که مبتنی بر روش و مبانی ویژه‌ای است همانند دیگر ساحت‌های مرتبط با زیست انسانی دچار چالش‌ها و پرسش‌های جدی است. پرسش‌هایی که این پژوهش را سبب شده‌اند عبارت‌اند از: مبانی فقه سنتی در ساحت حقوق زنان کدام‌اند؟ این رویکرد فقهی با چه چالش‌هایی مواجه است؟

در خصوص پیشینه بحث باید گفت: مسئله حقوق زنان به‌عنوان دغدغه‌ای کلان بیش از یک قرن است که در جهان اسلام مدنظر پاره‌ای صاحب‌نظران قرار گرفته و آثار بسیاری در این موضوع منتشر شده است که از آن جمله می‌توان به آثاری اشاره کرد که هریک تلاش کرده‌اند از زاویه‌ای خاص به مسائل زنان بپردازند که عبارت‌اند از: نظام حقوق زن در اسلام، مرتضی مطهری،^۱ شخصیت و حقوق زن در اسلام، مهدی مهریزی،^۲ دنیای زن، سید محمدحسین فضل‌الله،^۳ حقوق زن در کشاکش سنت و تجدد، محمد حکیم‌پور،^۴ رسائل حجابیه، رسول جعفریان،^۵ مسائل حرجه فی فقه المرآه،^۶ محمد مهدی شمس‌الدین، بازپژوهی حقوق زن، ناصر قربان‌نیا^۷ و همکاران.

۱. این کتاب مجموعه مقالاتی است که طی سالهای ۴۵ تا ۴۶ از نویسنده منتشر شده است و در آن به مباحثی همچون شخصیت زن، تفاوت‌های زنان و مردان، پاره‌ای از مباحث مرتبط با حقوق خانواده و حقوق زن و... پرداخته شده است.
۲. در این کتاب به دو بحث مهم شخصیت زن و حقوق خانواده پرداخته شده است که نخستین عرصه عینی شخصیت زن به شمار می‌رود و تلاش شده است تا دیدگاه اسلام گزارش شود.
۳. دنیای زن که به‌صورت گفت‌وگوهایی علمی با مرحوم فضل‌الله است از مباحث کلانی همچون زن در اسلام شروع می‌شود و با پرداختن به پاره‌ای از مباحث چالشی درباره حقوق زنان ادامه پیدا می‌کند. این کتاب با نام دنیاالمرآه در سال ۱۴۱۸ در بیروت منتشر می‌شود و توسط نقش سهروردی ترجمه شده است.
۴. این کتاب در سه دفتر سامان یافته است: دفتر اول: تمهیدات که شامل مبانی و مبادی بحث از حقوق زنان است، دفتر دوم: زن در پیش از اسلام که شامل حقوق و حیات اجتماعی زن در دنیای قدیم و سیمای زن در آئینه ادیان است، دفتر سوم: زن در اسلام که شامل مباحثی همچون: اسلام و مسئله جنسیت، حقوق زن در اسلام و... است.
۵. در این کتاب دو جلدی مجموعه رساله‌ها و مقالات مرتبط با پوشش زنان و در سایه آن برخی دیگر از حقوق اجتماعی و سیاسی زنان در صد ساله اخیر گزارش شده است.
۶. این کتاب که در چهار جلد تنظیم شده به مسائلی همانند نگاه و پوشش، اهلیت زنان برای حکومت، حقوق زناشویی و... پرداخته است.
۷. این کتاب دو جلدی که به سفارش مرکز مشارکت امور زنان در نهاد ریاست جمهوری تدوین شده است، تلاش کرده تا قوانین مربوط به زنان در جمهوری اسلامی را گفت‌وگو و نقد و بررسی کند.

ویژگی‌های این پژوهش که انجام آن را با همه آثار فراوان انجام‌شده در حوزه مباحث زنان، توجیه‌پذیر کرده است عبارت‌اند از: ا. پردازش ویژه رویکرد فقه سنتی به حقوق زنان و بررسی انتقادی مبانی و چالش‌های آن، ب. کمک به نهادینه‌شدن نگاه فلسفه فقهی و پیامدهای آن در ساحت فقه، ج. تبیین نقش مبانی در خروجی فقه فقیهان.

نگارندگان با تفکیک مقوله دین از فهم دینی معتقدند که آنچه در رویکرد سنتی رخ داده است فهمی از آموزه‌های دینی است که لزوماً تنها فهم ممکن و صحیح نیست، بلکه آموزه‌های دینی اولاً با توجه به ماهیت سیال و شناوری که دارند و ثانیاً با توجه به نقش جهان پیرامونی فهمندگان؛ از جمله دانش‌های پیرامونی ایشان، تربیت اخلاقی آنان و... ظرفیت فهم‌های متکثر و متفاوتی را دارند. روشن است بیان چالش‌های متوجه به رویکرد سنتی لزوماً به معنای توجه این چالش‌ها به آموزه‌های دینی نیست^۱ و گمان این‌همانی یک رویکرد فقهی با آموزه‌های شریعت اثبات‌شدنی نیست؛ چراکه رویکردهای رقیب نیز مدعی‌اند که فهمشان مبتنی بر همین آموزه‌هاست.

۱. مفهوم‌شناسی

پیش از ورود به اصل بحث که در ضمن دو گفتار پی گرفته خواهد شد، لازم است تعریفی اجمالی از چند اصطلاح پرکاربرد در این مقاله همانند فقه سنتی، رویکرد انتقادی، مبانی و چالش ارائه شود. **ا. مفهوم‌شناسی فقه سنتی و مبانی:** فقه سنتی ترکیبی مضاف از دو اصطلاح فقه و سنتی است که با توجه به طرح فراوان مفهوم‌شناسی فقه^۲ و سنتی^۳ در منابع مرتبط، تنها به تعریف این اصطلاح ترکیبی اشاره خواهد شد.

فقه سنتی در تلقی عموم صاحب‌نظران فقهی است که ره‌آورد تلاش فقیهان مسلمان شیعی و سنی است و از دیرباز، حاکم بر رفتار مسلمانان است؛ ولی در این نوشتار، مراد از فقه سنتی، اجتهادات و تلاش‌های فقیهان است که ویژگی‌های مهمی؛ چون سلف‌محوری، مسئله‌محوری، فردمحوری و شخصیت‌گرایی، بنیادهای آن را تشکیل داده‌اند.

اصطلاح مبانی نیز دو کاربرد دارد که عبارت‌اند از: ۱. مبانی به معنای ادله در کلمات فقیهان و اصولیان،

۱. ر. ک: شفیع و همکاران، تاریخ‌نگاری تحلیلی تغییر نگاه به شخصیت و حقوق زنان پس‌اسلام (مورد پژوهشی: زن در عصر امویان)، پژوهشنامه تاریخ، ۶۸-۴۷.

۲. جناتی، ادوار فقه و کیفیت بیان آن، ۳.

۳. نصر، اسلام سنتی در دنیای متجدد، ۲۸.

کاربردی متداول دارد. گاه در لسان ایشان وقتی سخن از مبانی علمی یا بحثی به کار می‌رود، مراد ادله آن علم یا موضوع است؛^۱ ولی برخی به درستی معتقدند بین مبنا و دلیل و مبانی و ادله تفاوت وجود دارد؛^۲ مبانی به معنای پیش‌فرض‌ها و اصول موضوعه.^۳

در این نوشتار مبانی به معنای دوم مدنظر است و لذا از ورود به ادله خاص فقیهان سنتی در موارد محل گفت‌وگو پرهیز شده است.

ب. مفهوم‌شناسی رویکرد انتقادی و چالش: دیگر اصطلاح به کار گرفته شده در این نوشتار رویکرد یا نگاه انتقادی است که محصول عقلانیت^۴ انتقادی است^۵ و روشی ویژه در مواجهه با مسائل و موضوعات علمی است. برخی فیلسوفان علم، آن را «نوعی آمادگی برای استماع استدلال‌های نقادانه، جستجو برای یافتن اشتباهات خود و درس‌آموختن از آن‌ها» دانسته‌اند.^۶

روش انتقادی اساساً شیوه‌ای تفکر و حتی شیوه‌ای زیست^۷ اجتماعی است و در تعامل با دیگران است که رشد و معنا پیدا می‌کند. تفکر انتقادی یا تفکر نقادانه (Critical thinking) به گفته پوپر، حتی درباره بهترین نظریه‌ها همواره مسائل تازه‌ای را آشکار می‌سازد.^۸

رویکرد این نوشتار عبارت است از: «انتقاد، به معنای پیروی از شریعت عقل یا پیروی از مجموعه ارزش‌ها و هنجارهایی است که از عقل سرچشمه می‌گیرند»^۹

اصطلاح چالش در ادبیات فارسی بی‌پیشینه نیست؛ اما استفاده از آن با کارکردی ویژه سابقه چندانی ندارد و به گمان برخی نویسندگان به دهه هفتاد بر می‌گردد.^{۱۰} از معانی لغوی چالش که بگذریم می‌توان گفت: در ادبیات معاصر، چالش گاه در معنای تعارض، جدال و تهاوت^{۱۱} و گاهی در معنای مانع و مشکل^{۱۲} و دیگر گاه به معنای آسیب و آفت^۱ به کار گرفته می‌شود که در نوشتار پیش‌رو چالش می‌تواند در

۱. شیب الموسوی، الجهد الاصولی عند العلامة الحلی، ۱۴.

۲. شیب الموسوی، الجهد الاصولی عند العلامة الحلی، ۱۶ تا ۱۵.

۳. شیب الموسوی، الجهد الاصولی عند العلامة الحلی، ۱۴.

۴. عقلانیت (rationality)، عقل ورزی و خردورزی و پایبندی به مقتضیات عقل است.

۵. عقلانیت انتقادی مکتبی فکری است که نماینده مهم آن کارل پوپر است. جوزف آگاسی (Josef Agassi)، هانس آلبرت (Hans Albert)، ویلیام بارتلی، بارتلی (Williamw Bartley).... شماری دیگر از فیلسوفانی هستند که در آن سهم دارند.

۶. پوپر، اسطوره چارچوب در دفاع از علم و عقلانیت، ۳۰.

۷. پوپر، اسطوره چارچوب در دفاع از علم و عقلانیت، ۳۰.

۸. پوپر، اسطوره چارچوب در دفاع از علم و عقلانیت، ۲۹۲.

۹. فنایی، اخلاق دین‌شناسی، ۲۰۴.

۱۰. ذوعلم، تأملی در مفهوم چالش، ۳۷ تا ۳۴.

۱۱. رزاقی، بیم‌ها و امیدها، ۲۹۹.

۱۲. سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، تحقق جامعه مدنی در انقلاب اسلامی، ۴۸۳ تا ۴۸۸.

هر سه کاربرد استعمال شود، اگرچه کاربرد اول (تعارض، جدال و تهافت) هم‌سوتر و هم‌افتر است در خصوص آنچه دغدغه اصلی این جستار است.

۲. مبانی چالش‌برانگیز رویکرد فقه سنتی در حقوق زنان

گفتمان سنت‌گرایی که اولین گفتمان شکل‌گرفته در مواجهه با آموزه‌های دینی است، مبانی معرفت‌شناختی، روش‌شناختی، دین‌شناختی و به‌صورتی ویژه انسان‌شناختی دارد که پاره‌ای از آن‌ها متفاوت‌اند با مبانی رویکردی که از آن به‌عنوان گفتمان نواندیشانه یا روشنفکرانه از دین خوانده می‌شود.^۲ یکی از پایه‌گذاران مکتب تفکیک^۳ که بخشی از جریان فکر سنتی را تنوریزه می‌کند و از معتقدان به الهیات سنتی است، آن‌گاه که به تقریر نسبت علوم بشری و الهی اشاره می‌کند، می‌نویسد: در ورود به همه باب‌ها آن است که بدانی در هیچ مسئله‌ای میان علوم بشری و علوم جدید الهی اشتراک نیست...^۴ ایشان در جای دیگری نیز می‌گوید: اما دانش (علم) در علوم الهی متفاوت از علم در علوم بشری است.^۵ همین تقریر و رأی، مدّ نظر سنت‌گرایان معاصر نیز هست که از پرداختن به آن خودداری می‌شود؛^۶ چراکه پرداختن به همه مبانی معرفت‌شناختی و هستی‌شناسانه این دو تلقی در این نوشتار مورد انتظار نیست و لذا تلاش شده است تنها به مهم‌ترین مبانی چالش‌برانگیز رویکرد سنتی در ساحت حقوق زنان و پاره‌ای پیامدهای آن پرداخته شود و از توضیح و تبیین مبانی مشترک ایشان با رویکردهای نواندیشانه خودداری شده است.

۲.۱. زن موجودی در میانه شخص و شخص‌واره

تصویر زن در آرا و تقریرات عالمان مسلمان، اعم از فیلسوفان و متکلمان، مفسران و فقیهان... تصویری شفاف و یگانه نیست. برخی از ایشان همان نگاهی را که به مردان به‌عنوان یک انسان دارند درباره زنان نیز ارائه می‌دهند^۷ و معتقدند: زن و مرد از یک سنخ و یک ذات و یک سرشت و خمیرمایه پدیدار شده

۱. صاحبی، مناسبات دین و فرهنگ در جامعه ایران، ۲/۲۱۳ تا ۲۵۳.

۲. نصر، اسلام سنتی در دنیای متجدد، ۲۸ به بعد؛ نصیری، «بررسی آموزه‌های کمال الهی در الهیات پویایی ۹۱»؛ فیومی، مصباح المنیر، ۵۱؛ اصفهانی، ابواب الهدی، ۶۷؛ خباز، صوره المراه فی التراث الشیعی، ۲۵؛ همتی، «مقایسه الهیات معاصر با الهیات سنتی ۳۱»؛ فنائی، اخلاق دین‌شناسی.

۳. حکیمی، مکتب تفکیک، ۱۳۷۳.

۴. اصفهانی، ابواب الهدی، ۶۱.

۵. اصفهانی، ابواب الهدی، ۶۵.

۶. رضوی، در مسیر سنت‌گرایی میدحسین نصر و...، ۱۰۲ تا ۹۴.

۷. نک: فضل‌الله، دنیا المراه: شمس‌الدین، مسائل حرجه فی فقه المراه؛ صانعی، مقاربات فی التجدید الفقہی و...

و در حقوق برابرند،^۱ اما بسیاری کسانانی که تصویری شخص‌واره، شبه‌شخص از زنان ارائه داده‌اند و پاره‌ای دیگر تصویری تاریک‌تر ارائه داده و زنان را تا شیء‌وارگی^۲ و بلکه همسان حیوانات^۳ پایین آورده‌اند. برخی معتقدند تصویر موجود در رویکرد سنتی زنان را نه تنها شخص‌وارگانی قلمداد کرده که در خدمت مردان‌اند، بلکه آنان را تنزل داده و به شیء‌وارگی تقلیل داده‌اند. یکی از نویسندگان معاصر در نقدی بر پاره‌ای اندیشه‌های شیعی درباره زنان خصوصاً راجع به رابطه زناشویی و احکام فقهی آن می‌گوید: «... و بذلك تتحول المرأة من شخص الی شیء و...»^۴ همین نگاه را یکی دیگر از نویسندگان نیز در تقریرش از فقه و آرای فقیهان دارد و این چنین می‌نویسد: «... فقه مردانه، زنان مسلمان را تبدیل به اشیا و ادواتی کرده است؛ یعنی این فقه تلاش کرده تا زن را به هیچ بینگارد و آن را به پایین‌ترین درجه برساند.»^۵

در ادبیات فقیهان، قرائن و نشانه‌هایی وجود دارد که نمی‌توانیم این انتساب را بیراهه بدانیم. اینکه فقیهانی در نقد پاره‌ای از هم‌کیشان خویش در مسئله جواز نگاه زن به خواستگارش در مجلس خواستگاری ضمن عدم‌پذیرش رأی ایشان می‌گویند: «... در روایات ما، مرد مشتری زن است و این مشتری است که باید به شیء که می‌خواهد بخرد باید نگاه کند تا دچار ضرر و غبن نشود»^۶ یا اینکه فقیهان در انجام عمل زناشویی به مردان این حق را داده‌اند که بدون توجه به وضعیت روحی و روانی زنان بتوانند درخواست این عمل را داشته باشند و زن اگر تمکین نکند ناشزه است^۷ یا اینکه حکم به جواز خرید و فروش زنان شوهردار و فرزنددار دار الحرب داده‌اند^۸ و... این‌ها نشانه‌هایی است که رویکرد فقیهان سنتی به زنان را قرائتی در میانه شخص و شخص‌وارگی قرار می‌دهد.

نگاه شخص‌وارگی یا شیء‌وارگی به زن در فقه ایشان تأثیر و آرای را به دنبال داشته است که بخشی‌های چالش‌برانگیز فقه سنتی در جهان جدید است که به آن‌ها به اجمال اشاره خواهد شد.

۲.۲. کاستن نقش زنان تا اندازه تولید نسل و تدبیر منزل

۱. موسوی غروی، مبانی حقوق در اسلام، ۱۲۴.
۲. این تعبیر در مقدمه قانون اساسی سال ۱۳۵۸ هم آمده است. «... زن در چنین برداشتی از واحد خانواده، از حالت شیء بودن و یا ابزار بودن در خدمت اشاعه مصرف‌زدگی و استثمار خارج شده و...»
۳. فاضل کاظمی، مسالک الأفهام، ۱۷۹/۳؛ صدرالدین شیرازی، الأسفار الأربعة، ۱۳۶/۷؛ محقق حلی، شرايع الإسلام، ۱۸۶/۱؛ محقق سبزواری، کفایة الأحکام، ۱۹۴/۲؛ عظیمی‌نژادان، زن، معمار جامعه مردسالار، ۶۹.
۴. حانزی، المتعة، ۱۰۸.
۵. فرج، امراء الفقهاء و امراء الحدائث: خطاب اللامساواة فی المدونة الفقهية، ۱۰۲.
۶. بحرانی، الحدائق الناضرة، ۴۶/۲۳، برای تفصیل بحث ر.ک: امیرزاده جیرکلی، «مشتری‌انگاری زوج در احادیث باب نکاح و پیامدهای آن در آرای فقیهای امامیه»، ۲۹ تا ۵۴.
۷. ذویب، جدل الأصول و الواقع، ۵۸۵.
۸. محقق حلی، المختصر النافع، ۱۸۶/۱؛ محقق سبزواری، کفایة الأحکام، ۱۹۴/۲.

یکی دیگر از مبانی ویژه این رویکرد هدف خلقت از زنان در این قرائت است. هدف خلقت از زنان چیست؟ فهم سنتی چون مردمحور است، لذا پاسخش از زبان خواجه نصیرالدین طوسی این است که: زن خلق شده است برای خدمت کردن به مرد...^۱

قرائت سنتی شکل گرفته از آموزه‌های دینی این است که زن برای دو امر مهم تولید نسل و تربیت نسل خلق شده و وظیفه اصلی وی «وظیفه المنزل» است.^۲ برخی هویت زن را چنان با فرزندآوری گره زده‌اند که می‌گویند: زنان باید پیوسته حامله باشند یا شیر دهند.^۳

یکی از فقیهان معاصر در نگاهی انتقادی به پاره‌ای مبانی فقهی درباره زنان می‌نویسد: مادر به اعتبار همسر بودنش بر پاره‌ای مبانی فقهی تا بدان جا می‌رود که حرمت و کرامت انسانی‌اش مورد خدشه قرار می‌گیرد، به گونه‌ای که ارزشش بیش از موجودی جنسی و تدبیرکننده منزل فراتر نمی‌رود.^۴

یکی از پژوهشگران درباره تأثیر تاریخ مذکر و فرهنگ مردانه بر مسائل زنان می‌نویسد: حقیقت آن است که نفی و تردید در استعداد و صلاحیت زنان برای قضاوت و اصدار حکم از سوی فقیهان پیش از آنکه مبتنی بر دلایل و توجیهاات محکم نقلی و عقلی باشد، مولود نوع نگرش و ذهنیت‌هایی است که در سابق راجع به زن وجود داشته است و قابلیت‌های اجتماعی او به دلایلی نادیده گرفته شده است. از جمله به لحاظ غلبه تفکر مبتنی بر ناقص‌العقل بودن او یا به دلیل اینکه پاره‌ای از فقیهان شیعی و سنی برای زن در نظام تکوین تنها دو وظیفه اساسی و مهم را به تصویر کشیده‌اند که عبارت است: ۱. وظیفه الزوجه، شوهرداری؛ ۲. وظیفه الأمومة، مادری؛^۵ از این روست که گاه با پاره‌ای آموزه‌ها مواجه می‌شویم که نگاهی تأمل‌برانگیز راجع به زنانی دارد که این ویژگی طبیعی، یعنی قدرت تولید نسل را ندارند.

شیخ حر عاملی به نقل از کتاب عوالی اللئالی از پیامبر (ص) نقل می‌کند که فرموده است: حصیر به هم‌پچیده در گوشه خانه بهتر است از زنی که توان تولید مثل ندارد.^۶ ایشان شبیه همین روایت را نیز به نقل از شیخ مفید این گونه آورده است: پیامبر (ص) در حدیثی به علی (ع) می‌گویند: حصیر در گوشه خانه بهتر است از زنی که نمی‌تواند زایش داشته باشد.^۷

۱. ملکیان، الإسلام و النسویة، ۳۶.

۲. خباز، صورة المرأة فی التراث الشیعی، ۲۰؛ حسینی طهرانی، ترجمه رساله بدیعه، ۳۵.

۳. حسینی طهرانی، کاهش جمعیت ضربه‌ای سهمگین بر بیکرة مسلمین، ۴۲.

۴. شمس‌الدین، مسائل حرجه فی فقه المرأة، ۲۳/۱.

۵. قوسی، حکم الاختلاط، ۲۵.

۶. ابن‌ابی‌جمهور، عوالی اللئالی، ۲۵۸/۱.

۷. مفید، المتفعة، ۱۳۲.

یکی از فقیهان معاصر در تحلیل این روایات، جمع‌بندی‌اش را این‌گونه ارائه می‌دهد که بازتاب‌دهنده رأی سنتی و مشهور در میان فقیهان مسلمان است. ایشان می‌گویند: در چندین روایت این باب (ازدواج) آمده است که فلسفه و حکمت ازدواج تولید نسل و افزایش امت مسلمان است.^۱

این مبنای چالشی که به کاستن شأن و نقش زنان در زیست انسانی در قامت تولید مثل و تدبیر منزل می‌انجامد، اگر هم در جهان گذشته رأی کم‌چالشی بود، هر چند نمی‌توان از تبعات محرومیت‌ساز آن برای زنان در همان جهان قدیم نیز به‌راحتی گذشت، اما در جهان جدید و در مقام استنباط، چالش‌های بسیاری به‌دنبال داشته و دارد که از محرومیت زنان از اشتغال و تحصیل شروع می‌شود و تا عدم امکان بهره‌گیری از ظرفیت‌های ایشان در عرصه‌های اجتماعی و عمومی تداوم پیدا می‌کند.

۳.۲. نسبت سنجی زن با کمال و معنویت

یکی دیگر از مبانی فقه سنتی، نسبت‌سنجی زنان با کمال انسانی و معنویت است. انسان و به‌ویژه زنان در فقه سنتی گاه راجع به کمال انسانی دآوری و ادعای عدم کمال انسانی ایشان یا برتری مردان بر آنان^۲ مطرح و تئوریزه شده است^۳ و دیگرگاه در خصوص کمال معنوی دآوری و ادعا شده است که جنس زن در کسب کمال معنوی نسبت به مردان ناتوان است که این خود عاملی برای تضییق حقوق ایشان شده است.

این نگاه را پاره‌ای فیلسوفان و متألهان غیرمسلمان نیز داشته‌اند. نویسنده کتاب عقل مذکر در اشاره به رأی آکوئیناس می‌نویسد: آکوئیناس در یکی از بخش‌های بعدی «جامع الهیات» بر این قول ارسطو صحه می‌گذارد که زن را به‌درستی نمی‌توان پارسا دانست، زیرا زنان به‌علت بی‌ثباتی عقلی و چون به آسانی عنان از دست می‌دهند و بی‌درنگ به‌دنبال خواهش‌های نفس می‌روند {موجوداتی} متزلزل‌اند.^۴

یکی از نواندیشان با اشاره به مؤلفه‌های تفکر مردسالار در اشاره به رأی فیلسوفان پیشین می‌گوید: ارسطو ادعا می‌کند که ضعف اخلاقی در زنان بیشتر از مردان است.^۵

بعضی از فقیهان، دوری و نزدیکی به خداوند را که امری معنوی است با جنسیت انسان مرتبط دانسته و فتوا داده‌اند که جنس مرد زمینه‌تقرب به خداوند و کمال را بیشتر از جنس زن داراست. شیخ طوسی در بحث نماز میت این نظریه را از شافعی نقل و تأیید می‌کند.^۶ اینکه فقیهی دوری و نزدیکی الهی را با

۱. بروجردی، جامع احادیث الشیعة، ۶۱/۲۰.

۲. حسینی طهرانی، مطلع الانوار، ۲۵۲/۷؛ حسینی طهرانی، رساله بديعه، ۵۶.

۳. عراقی، کتاب القضاء، ۳۰۶.

۴. لوید، عقل مذکر: مردانگی و زنانگی در فلسفه غرب، ۶۹.

۵. ملکیان، مشتاقی و مهجوری، ۳۲۵.

۶. طوسی، خلاف، به‌نقل از، جزوه درسی استاد مهریزی، مکتب‌شناسی فقهی، همچنین می‌توان از فروع کافی نیز یادی کرد که کلینی بای را گشوده است

جنسیت انسان مربوط می‌داند به انسان‌شناسی وی بر می‌گردد که نسبت به فقه‌اش دانشی پیشینی دارد. احکام و تکالیف الهی به تصریح شریعت و آرای فقها باید متناسب با مکلف باشند. برخی فقیهان رعایت تناسب تکلیف و مکلف را نشانه نقصان یک جنس و کمال دیگر دانسته‌اند.

یکی از فقیهان با اشاره به فرع فقهی فقدان آب لازم و نیاز زن و شوهری به آب برای انجام غسل می‌گوید: دو رأی فقهی می‌توان داشت که رأی دوم را اختصاص دادن آب به مرد برای غسل است؛ چراکه مردان استحقاق بیشتری از زنان برای کمال دارند.^۱

همین نگاه را شیخ طوسی در بحث جایز نبودن قضاوت برای زنان نیز دارد و این چنین می‌نویسد: شرط سوم قاضی آن است که در خلقت و احکام کامل باشد و کمال در احکام آن است که بالغ، عاقل، آزاد و مرد باشد.^۲

برخی فقیهان نیز معتقدند بین عدالت و جنسیت ربط وثیقی هست. ایشان در بحث حضانت درباره شروط حاضنه (کسی که ولایت کودک را می‌خواهد برعهده گیرد) بحث عدالت را مطرح می‌کنند و درباره اینکه عدالت، شرط حاضنه نیست، چنین می‌گویند: سخن در شرط عدالت در حاضنه است که در زنان کمتر یافت می‌شود^۳ و در ادامه و تکمیل بحث خویش چنین نویسند: «... خصوصاً مع غلبة الفسق فی النساء...»^۴ فسق در زنان غلبه دارد.

این دو گزاره که «زنان عادل، کم‌اند» و «زنان فاسق، بسیار»، بعید است مبتنی بر استقرا و آمار یا احیاناً نگرش تاریخی به زنان باشد؛ چراکه گستره حضور در اجتماع و عرصه‌های آن چهره واقعی را بهتر و راحت‌تر به تصویر می‌کشد تا حضور اندک یا عدم حضور که زنان شوربختانه یا خوش‌بختانه از این حضور محروم بوده‌اند و لذا به نظر می‌رسد این داورها، تنها براینند و فرایند انسان‌شناسی این فقیهان است.

ادامه این نگاه تا آنجا پیش رفته است که برخی فقیهان گمان کنند زنان ابزاری برای دوری مردان از خدا هستند. فیض کاشانی در اشاره به آفات ازدواج از جمله می‌گوید: یکی از آفات ازدواج این است که زن و فرزند مرد را از خدا دور می‌کنند.^۵ یکی از نویسندگان در تقریر رأی این فقیه سنتی می‌نویسد: زن به طریق مستقیم و غیر مستقیم دورکننده از خداست و لذا سالک به سمت خدا باید از وی دوری کند تا وی با

تحت عنوان «فی قلة الصلاح فی النساء» و احادیثی را نیز به همین مضمون گردآوری کرده است. کلینی، کافی، ۵/۱۴۵.

۱. علامه حلی، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، ۲/۲۲۳.

۲. طوسی، المبسوط فی فقه الأمامیه، ۸/۱۰۱.

۳. صاحب‌جواهر، جواهر الکلام، ۳۱/۲۸۹.

۴. صاحب‌جواهر، جواهر الکلام، ۳۱/۲۸۹.

۵. فیض‌کاشانی، عقبات الدنیا، ۱۲۴.

فتنه‌گری مرد را از آخرت دور نکند.^۱

البته اگر فقیهی اصل تشکیل نهاد خانواده را برای هریک از مردان و زنان، اسباب دوری از خدا بداند شاید توجیه‌شدنی باشد، اما وقتی این سخن یک‌سویه گفته می‌شود باید به آن توجه ویژه‌ای داشت. آیا نمی‌توان همین رأی فیض کاشانی را درباره زنان نیز گفت؟ یعنی نمی‌توان گفت مرد و فرزند و زندگی، زن را از خدا دور می‌کند؟ به نظر می‌رسد اصل این نگاه از بنیاد نقدشدنی است؛ چراکه همان‌گونه که در روایات ما نیز وارد شده است انسان‌ها باید زندگی خویش را مدیریت کنند و سهمی از آن را به عبادت و سهمی هم به زن و زندگی و مرد و زندگی اختصاص دهند.^۲

رویکرد سنتی به زنان و حقوق ایشان تا آنجا پیش رفته است که یکی از فقیهان معتقد به این رویکرد را بر آن داشته است تا در احکام دخول، واردشدن داماد بر عروس، نکاتی چند را بیان می‌کند، از جمله می‌گوید: «و يسأل الله الولد الذكر السوي الصالح»؛ یعنی داماد هنگام ورود بر عروس از خدا پسر سالم و صالح بخواهد.^۳

این تذکر به دعاکردن برای فرزند پسر چه معنایی دارد؟ آیا غیر از این است که نگاه این فقیه و فقیهان همراه وی، به زن و دختر نگاهی ویژه است، به‌گونه‌ای که اگر دقت شود آیا این نوعی دیگر از حذف فیزیکی دختران از جامعه انسانی نیست که قرآن از آن به کشتن دختران تعبیر یاد می‌کند؟ این فقیه اگر متوجه سخنش بود و نگاه به پیامدها و نتایج این رأی خویش را داشت آیا نباید به این چالش پاسخ می‌داد که اگر همه دعاها مستجاب شد و هم پسر شد، آنگاه تداوم و تولید نسل را چه باید کرد؟ این‌ها نشان می‌دهد که مبانی فقهی و توجه به ظواهر و نصوص، گاه درک واقعیت را برای یک فقیه سخت می‌کند.

این مبنا رویکرد سنتی در دوران معاصر نه‌تنها توسط نواندیشان دینی به چالش فراخونده شده است، بلکه توسط برخی معتقدان به مبانی و روش‌های رویکرد سنتی نیز محل تردید و انکار قرار گرفته است. یکی از فقیهان و مفسران معاصر سنتی، با اشاره به آیات قرآن می‌گوید: در آیات متعددی از قرآن کریم تصریح شده است که ایمان و کمال و هدایت در دنیا و رستگاری و نجات و سعادت در آخرت هیچ ارتباطی با جنسیت ندارد.^۴

۲.۴. فرودستی زنان

۱. خباز، صورة المرأة في التراث الشيعي، ۱۰۷.

۲. «اجتهدوا ان يكون زمانكم اربع ساعات: ساعة منه لمناجاة الله وساعة لامر المعاش وساعة لمعاشرة الاخوان والثقات والذين يعرفون غيوبكم ويخلصون لكم في الباطن وساعة تخلون فيها للذاتكم وبعده الساعة تقدرون على الثلاث ساعات». علی بن موسی، فقه الرضا، ۳۳۷.

۳. شهید ثانی، الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية، ۹۲۵.

۴. جوادی آملی، حق و تکلیف در اسلام، ۳۰۷.

یکی دیگر از مبانی رویکرد سنتی، اعتقاد ایشان به فرادستی مردان و فرودستی زنان است. این مبنا در پاره‌ای از آرای فقهی بازتاب داشته است که از آن جمله می‌توان به رأی یکی از فقیهان معاصر در بحث قضاوت زنان اشاره کرد که می‌گوید: تردیدی نیست که ساحت و جهات برتری در نوع مردان بر زنان وجود دارد، ساحت‌های برتری خَلقی و خُلقی که این برتری‌ها در نوع زنان نیست. گواه این برتری‌ها را در نبوت مردان و امامت و ولایت ایشان می‌توان دید.^۱

همین نگاه در فقیهان پیشین نیز بوده است. سیدمرتضی در بحث قصاص و در فرع فقهی قصاصِ مرد به سبب قتل زن، پس از آنکه اشاره می‌کند که می‌توان قصاص را انجام داد ولی باید مازاد بر دیه را به ورثهٔ مرد پرداخت (فاضل دیه)، در تعلیل این حکم می‌گوید: دلیل ما بر صحت آنچه که بدان حکم دادیم اجماع است و به دلیل آن است که جان زن مساوی جان مرد نیست، بلکه زن نصف مرد است. پس وقتی که می‌خواهیم جان انسانی کامل را در برابر ناقصی بگیریم باید مازاد را پرداخت کنیم.^۲

این نگاه تا جایی رفته است که یکی از فقیهان در احکام دخول، وارد شدن داماد بر عروس، نکاتی چند را بیان می‌کند؛ از جمله می‌گوید: «و یسال الله الولد الذکر السوی الصالح»؛ یعنی داماد هنگام ورود بر عروس از خدا پسر سالم و صالح بخواهد.^۳

۳. بررسی پاره‌ای چالش‌های رویکرد فقه سنتی در حقوق زنان

فقه سنتی با توجه به مبانی‌ای که دارد در جهان جدید با چالش‌هایی مواجه شده است که توجه و تمرکز بر آن‌ها برای کمک به رهایی آن از بحران، امری ضروری است. البته می‌توان ادعا کرد که این چالش‌ها در ادوار پیشین زیست انسانی نیز وجود داشته است اما دغدغه‌ها و رنج‌های فیزیکی و ناظر به معیشت و جسم انسان‌ها در آن دوران چنان فراوان بوده است که این چالش‌های حقوقی زیست انسانی به‌ویژه مرتبط با زیست زنان، اولویت‌های آنی و اولیهٔ ایشان نبوده است و لذا با آن کنار می‌آمده‌اند.

البته پرداختن به همهٔ چالش‌های متوجه فقه سنتی فرصتی فراخ و متنی مفصل می‌خواهد که در این جستار تلاش می‌شود تا به پاره‌ای از آن‌ها اشاره شود.

۳.۱. چالش‌های رویکرد فقه سنتی در ساحت اجتماعی عمومی

یکی از ساحت‌هایی که به دلیل گستردگی مباحث آن بیشترین چالش‌ها را فراروی رویکرد سنتی به

۱. گلپایگانی، کتاب القضاء، ۵۰ تا ۴۵/۱.

۲. علم‌الهدی، الإختصار، ۲۷۰.

۳. شهید ثانی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، ۹۲/۵.

حقوق زنان قرار داده است، ساحت اجتماعی و عمومی است. آرای فقیهان معتقد به رویکرد سنتی در این ساحت در فروعاتی همچون؛ زنان و مرجعیت دینی، زنان و مدیریت سیاسی، زنان و قضاوت^۱ و شهادت و...، زنان و روابط اجتماعی با مردان و... با چالش‌های جدی روبه‌روست که برای نمونه تنها از این میان به زنان و مرجعیت دینی می‌پردازیم و چالش‌های متوجه به این موضوع مطرح می‌شود.

۱. زن و مرجعیت دینی در رویکرد سنتی: یکی از چالش‌های ساحت عمومی، بحث مرجعیت زنان است. آیا زنان حق دارند مرجع تقلید شوند؟ فقیهان که به گواه تاریخ، همه مرد بودند،^۲ آن‌گاه که در مقام تبیین شرایط مرجعیت بودند، یکی از شرایط را ذکوریت، یعنی مرد بودن دانسته‌اند. این رأی تقریباً مشهور فقیهان شیعی^۳ است که البته در مراجعه به منابع روایی نمی‌توان به وضوح با این رأی همراهی کرد.

این چالش به چند دلیل مهم ایجاد شده است: ۱. تغییر نقش و کارکرد مرجعیت در جهان معاصر، ۲. تغییر روش و شیوه‌های اعمال مرجعیت، ۳. تفاوت شیوه احراز جایگاه مرجعیت.

در جهان جدید هم اعمال نقش مرجعیت و هم احراز آن در جهان جدید تفاوت‌های مهمی با جهان گذشته پیدا کرده است و در هنگامه استنباط یا در مقام افتا نباید به این تفاوت‌ها توجهی کرد.

علاوه بر نقدهای سندشناسانه‌ای که به مستندات پاره‌ای فقیهان معتقد به عدم جواز مرجعیت برای زنان شده است، در جهان جدید برخلاف جهان گذشته و با توجه به وجود رسانه‌های آموزشی و مجازی در دسترس دیگر، حتی نیازی به حضور در مدارس و کرسی‌های تدریس و تعلیم و تعلم به اندازه گذشته نیست، ضمن آنکه اصدار فتوا و مدیریت مقلدان نیز دیگر نیازمند به تعامل حضوری ندارد تا برخی بخواهند با استناد به اموری؛ همچون عورت بودن زنان، عدم جواز ارتباط و اختلاط زن و مرد و... حکم به محرومیت زنان از منصب مرجعیت بدهند.

یکی از فقیهان معاصر با اشاره به بحث در فقه شیعه می‌گوید: «فهناک الكثير من الفقهاء - و نحن منهم لایجدون...»؛ بسیاری از فقیهان که من هم از ایشان هستم منعی برای اخذ فتاوی‌ای زنان نمی‌بینم. برای همین هم اگر زنی مراتب اجتهاد را در یابد، اصل عقلی رجوع جاهل به عالم درباره وی هم صدق می‌کند و منعی برای مراجعه به وی نیست.^۴

یکی از فقه‌پژوهان معاصر در گزارش تاریخی ورود این بحث - شرط ذکوریت در مجتهد - می‌نویسد:

۱. حسینی طهرانی، مطلع الأنوار، ۲۷۰/۷.

۲. فضل‌الله، دنیا المرأة، ۳۸۰.

۳. فقیهان اهل سنت در این رأی با مشهور فقیهان معاصر شیعی مخالف بوده و از همان ابتدا نیز شرط ذکوریت را از شرایط مجتهد قرار نداده‌اند. نک: مجموعه مؤلفان، فقه المرأة، ۷۷.

۴. فضل‌الله، دنیا المرأة، ۳۷۹.

اولین کسی که این بحث را وارد فقه شیعه کرد، شهید دوم است.^۱

وی با اشاره به اینکه شهید دوم ادعای اجماع بر این نکته کرده است به رأی وی اشاره می‌کند و ادامه می‌دهد: «و فی الغیبة ینفذ قضاء الفقیه الجامع لشرائط الافتاء، و هی: البلوغ، و العقل، و الذکورة...»^۲ این رأی پس از شهید نیز مدّ نظر جدی قرار نگرفت، به گونه‌ای که حتی فقیهی مثل شیخ انصاری که معروف به تقریعات در فقه است، در رساله‌ای که با عنوان «الإجتهد و التقليد» نوشته و به شرایط مجتهد پرداخته است، از ذکوره (مرد بودن)، هیچ‌یادی نکرده است؛ ولی در دوران معاصر و به‌ویژه پس از انتشار کتاب فتوایی عروة الوثقی، حاشیه‌های تأییدی فراوان یافت، به گونه‌ای که تبدیل به رأی مشهور معاصران شد. این رأی پرسش‌ها و چالش‌های چندی دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به این نکات اشاره کرد: ا. چالش ناتوانی ادله در مستندسازی این رأی؛ همان‌گونه که اشاره شد پاره‌ای از فقیهان معتقدند ادله اقامه‌شده از طرف مدافعان این رأی، قدرت و قوت اثبات این رأی و حجیت استنادی به شارع را ندارند؛^۳ ب. چالش مخالفت این رأی با ارتکازات عقلانیته؛^۴ ج. پاره‌ای روایات و سیره‌های نقل‌شده از امامان؛^۵ د. نقش جنسیت در فهم و تأثیرپذیری این رأی از جنسیت فقیهان.^۶

ب. زن و قضاوت در رویکرد سنتی

یکی دیگر از چالش‌های ساحت عمومی، بحث زن و قضاوت است. فقیهان سنتی برای قاضی شرایطی برشمرده‌اند که یکی از آن شروط، مرد بودن قاضی است.

تا قرن پنجم، مرد بودن قاضی اگر هم متفاهم فقیهان بود، ولی شهرت فتوایی نداشت^۷ و فقیهان هرچند از قضاوت سخن گفته‌اند، اما به‌صراحت مرد بودن قاضی را مطرح نکرده‌اند.^۸

طرح جدی و حداکثری عدم جواز قضاوت زنان توسط فقیهانی چند^۹ پس از قرن پنجم وارد فقه شیعی شد و در بازه زمانی کوتاهی تبدیل به رأی مشهور شد و آرای کسانی مثل مجلسی اول که معتقد بودند: «اگر یک زن عالمه، واجد تمام شرایط و صفات لازم برای امر قضاوت باشد، داوری‌اش برای امور زنانه یا امور

۱. مجموعه مؤلفان، فقه المرأة، ۸۰ تا ۷۹.

۲. شهید ثانی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، ۶۳/۳.

۳. حب‌الله، المرأة فی لیفکر الإسلامی المعاصر، ۱۹۵.

۴. حب‌الله، المرأة فی لیفکر الإسلامی المعاصر، ۱۹۵.

۵. حب‌الله، المرأة فی لیفکر الإسلامی المعاصر، ۱۹۵.

۶. فضل‌الله، دنیا المرأة، ۳۷۹.

۷. حکیم‌پور، حقوق زن در کشاکش سنت و تجدد، ۲۱۵.

۸. مفید، المفتحة، ۱۱؛ ابن‌ادریس، السرائر، ۱۵۲/۲، ابوالصلاح حلبی، الکافی فی الفقه، ۴۱۲ و....

۹. محقق حلبی، شرائع الإسلام، ۶۰/۴؛ علامه حلبی، منتهی المطلب، ۱۳۸/۲؛ شهید اول، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، ۹۴/۱.

مشترک بین زن و مرد جایز است»،^۱ شنیده نمی‌شد.

عدم جواز قضاوت زنان در آرای پاره‌ای از فقیهان چنان قطعی است که مرجعیت زنان را نیز به آن تشبیه کرده و تلاش کرده‌اند با مشابه‌سازی این مقوله با قضاوت و بهره‌گیری از اصل و قاعده اولویت، رأی عدم جواز قضاوت را به آنجا نیز تسری دهند^۲ که به نظر می‌رسد همانند پاره‌ای از مشابهت‌سازی‌ها، دیگر از بنیاد درخور نقد باشد. افزون بر آنکه پاره‌ای فقیهان معاصر، آیات ناظر به قضاوت را دارای ظرفیتی گسترده دانسته و سخن از شمول آن آیات راجع به زنان گفته و قاعده اشتراک را مجوزی برای جواز تصدی قضاوت زنان خوانده‌اند.^۳

این مشابه‌سازی‌ها هر قدر هم دقیق و عالمانه باشد و حداکثر سویه‌های آن دو را ببیند باز هم مجوزی برای سرایت حکم یکی به دیگری نمی‌شود. یکی از فقیهان در نقد این نگاه در مشابه‌سازی احکامی مثل قضاوت و مرجعیت می‌گوید: شرط مردبودن در قضاوت معلول علل متعدد جامعه‌شناختی و سیاسی و اجتماعی است که نمی‌توان آن را به مرجعیت تسری داد. ضمن آنکه بنیاد این همسان‌سازی محل تردید است.^۴

علاوه بر این بحث می‌توان از حجم حضور زنان در دادگاه‌های خانواده و غیرخانواده نیز سخن گفت. زنان حداقل همان‌گونه که برخی فقیهان نیز گفته‌اند چرا نباید در پرونده‌های مربوط به زنان و خانواده بتوانند قضاوت کنند؟ زنان اکنون برخلاف گذشته پرونده‌های اقتصادی و سیاسی و امنیتی در دادگاه‌ها دارند، چرا نباید این ظرفیت را به زنان داد که در این دادگاه‌ها توسط هم‌جنسان و هم‌نوعان خویش داوری شوند؟

۲.۳. چالش‌های رویکرد فقه سنتی در ساحت عبادات

ساحت عبادات یکی از حوزه‌هایی است که رویکرد سنتی به زنان در آنجا با چالش‌ها و پرسش‌هایی مواجه شده است؛ از جمله این ساحت‌ها عبارت‌اند از: زن و حضور در جمعه و جماعات، زن و امامت جمعه و جماعت، زن و انجام نذورات و صدقات، زن و اقدام به صوم و صلوات‌های نذری و استحبایی و... در ادامه، تنها به دو مورد از آن‌ها می‌پردازیم.

أ. زن و حضور در جمعه و جماعت

جمعه و جماعت‌های عبادی از اموری است که به صورت طبیعی باید دارای مطلوبیت برای همه

۱. مجلسی، روضة المتقین، ۱۲/۱۹۱.

۲. خویی، التنقیح فی شرح العروة الوثقی، ۱/۲۲۴.

۳. محسنی، القضاء و الشهادة، ۲۲.

۴. خویی، التنقیح فی شرح العروة الوثقی، ۱/۲۲۵.

انسان‌ها باشد؛^۱ چراکه به رشد معنوی و اخلاقی ایشان کمک می‌کند. این کارکرد طبیعی برای عبادات جمعی در جهان معاصر با برخی نکات دیگر نیز درآمیخته است که حضور مؤمنان را در این فریضه‌ها مطلوب‌تر و بلکه به حد ضرورت می‌رساند.

امور عبادی جمعی در جهان جدید، تنها کارکرد رشد و تعالی معنوی و اخلاقی ندارند، بلکه می‌توانند تبدیل به ظرفیت‌هایی برای رشد اجتماعی و فرهنگی و سیاسی مؤمنان نیز بشوند. نگاه سنتی فقهی، زنان را به‌راحتی از این ظرفیت معنوی و اجتماعی محروم می‌کند، درحالی‌که همان‌گونه که اشاره شد این نگاه گمان می‌کند که کمال معنوی در زنان کم است. به‌صورت طبیعی اگر این‌گونه است که به گمان نگارندگان این‌گونه نیست، باید ظرفیت حضور ایشان را در این موقعیت‌های معناآفرین و اخلاق‌افزا بیشتر فراهم کرد، نه اینکه با محروم کردن ایشان از امری که ساحت اصلی و کارکرد مهم آن عبادی و معنوی است زنان را در محرومیت مضاعف معنوی قرار داد.

یکی از صاحب‌نظران در تقریری همدلانه با رویکرد سنتی به مقوله زن و جمعه و جماعات می‌نویسد: مبنای کلی فقهی، مطلوبیت پرهیز زنان از حضور در اجتماعات است.^۲ ایشان نیز ادامه می‌دهد که فقیهان معتقدند: اینان، زنان، الزامی به حضور در نماز جمعه ندارند و به‌عبارت دیگر، ذکوریت یکی از شرایط وجوب این نماز است، چه در حضور امام (ع) و چه در غیبت. این اتفاق نظر چنان فراگیر است که علامه حلی از آن این‌گونه یاد می‌کند: این گفته تمام کسانی است که اثر و گفته‌ای فقهی از آنان مانده است.^۳ این رویکرد البته مبانی مختلفی می‌تواند داشته باشد ولی یکی از مبانی روشن آن، تقسیم عبادات به عبادات جمعی مردانه و زنان است که در ادبیات علامه حلی این‌گونه بازتاب داشته است: زن اهل حضور در مجامع مردانه نیست.^۴

این تفکر چالش‌برانگیز در دوران معاصر نیز رأی بسیاری از فقیهان است که برای نمونه می‌توان از سیدمحمد صدر که در پاسخ به سؤالی که مطرح کرده و از شرایط وجوب نماز جمعه سخن گفته است یاد کرد که می‌نویسد: مرد بودن، شرط وجوب نماز جمعه است و لذا «فلا تجب علی النساء»؛ نماز جمعه بر زنان واجب نیست.^۵

۱. جالب است که ادبیات به‌کاررفته در قرآن هم عمومیت و هم شمول را افاده می‌کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (جمعه: ۹).

۲. مرتضوی، نگاهی فقهی به حضور زنان در عبادات‌های جمعی، ۱۰۹.

۳. علامه حلی، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، ۳۶۵/۵.

۴. علامه حلی، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، ۳۶۵/۵.

۵. صدر، منهج الصالحین، ۱۳۱/۱.

به‌راستی اگر در جهان گذشته، مطلوبیت بر عدم حضور اجتماعی زنان بوده است و همان به حضور زنان در جمعه و جماعت نیز تسری داده می‌شد، در عصر جدید نمی‌توان به راحتی سخن از آن مطلوبیت گفت. وقتی حضور زنان در بسیاری از عرصه‌هایی که تا پیش از این عرصه‌های ممنوعه بوده است؛ همانند تحصیل و اشتغال زنان، حضور در مناصب و ساحت‌های سیاسی و اجتماعی و...، به رسمیت شناخته می‌شود، آیا می‌توان از عدم مطلوبیت حضور زنان در جمعه و جماعت سخن گفت؟

ب. زن و چالش امامت جمعه و جماعت

یکی از چالش‌های جهان جدید، چرایی عدم جواز حضور زنان در پاره‌ای مناصب عبادی و دینی است؟ چرا زنان نمی‌توانند امامت جمعه و جماعت شوند؟ چقدر از این ممنوعیت زاییده ذهن مستبطن و مجتهدان است؟ سنت‌گرایان معتقدند: چون یا ادله‌ای بر جواز نداریم یا بلکه بالاتر دلیل بر منع داریم و این ادله هم فرازمانی و فرامکانی‌اند، لذا زنان نمی‌توانند این جایگاه‌های معنوی را اختیار کنند. این برداشت‌ها را ابتدا در مقوله امامت جماعت زنان برای زنان می‌بینیم که نه با تفسیر ایشان و نه با حجاب ایشان تعارضی ندارد، سپس به بحث امامت ایشان برای مردان پردازیم.

امامت جماعت زنان برای زنان: آیا زنان می‌توانند امامت جماعت برای زنان را عهده‌دار شوند یا خیر؟ در پاسخ به این سؤال، شهرتی شکل نگرفته است، همان گونه که شیخ یوسف بحرانی می‌نویسد: امامت زنان در نماز نافله برای زنان اشکالی ندارد و اتفاق فقیهان بر جواز آن است، اما درباره امامت ایشان برای زنان در نمازهای فریضه (واجب) اختلاف وجود دارد.^۱

وی آن‌گاه ادامه می‌دهد که: رأی مشهور، بلکه صاحب تذکره ادعای اجماع کرده است، جواز امامت زنان برای زنان در نمازهای فریضه (واجب) است، اگرچه برخی همانند ابن جنید و سیدمرتضی مخالفت کرده و قائل به منع هستند.^۲ در استفتایی که درباره امامت زنان برای زنان از فقهای معاصر شده است پاسخ ایشان را این گونه می‌توان دسته‌بندی کرد: ا. جواز مشروط به شرایطی که برای امامت جماعت مرد لازم است؛ همانند صحیح بودن قرائت و عدالت و...^۳ ب. جواز مشروط به جلوتر قرار گرفتن از صف اول،^۴ ج. کراهت و

۱. بحرانی، الحدائق الناضرة، ۸۷/۱۱.

۲. بحرانی، الحدائق الناضرة، ۱۸۷/۱۱.

۳. به عنوان نمونه: ر.ک: وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ۲۴۲/۲؛ مکارم شیرازی، استفتانات جدید، ۸۶/۱، ص ۲۵۴؛ نوری همدانی، هزار و یک مسئله فقهی، ۵۶/۱، ص ۱۹۹.

۴. شبیری زنجانی، المسائل الشرعیة، ص ۲۶۱، سیستانی، منهاج الصالحین، ۲۶۵/۱.

احتیاط در ترک است،^۱ د. مبانی سنتی در این سنخ از مباحث، چنان بر ذهن پاره‌ای فقیهان سیطره داشته است که حتی به تصرف در ظواهر نصوص پرداخته‌اند و از اطلاق و عموماتی؛ همچون «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ»^۲ دست بردارند که عمومیت تکلیف حتی بدون هزینه‌کردن، از قواعدی همچون قاعده اشتراک درخور استفاده است: و سخن از وجوب نماز جمعه بر بالغ و عاقل مرد و آزاد و... بگویند.^۳

امامت زنان برای زنان و مردان: اما درباره امامت زنان برای زنان و مردان همان‌گونه که اشاره شد فقیهان چون ذکورت (مردبودن) را شرط می‌دانند لذا معتقدند: «فلا يجوز اقتداء الرجال بالنساء...»^۴ دلیل فقیهان هم همان‌گونه که کاشف‌الغطاء گزارش کرده است عبارت است از: «للاجماع والأخبار».^۵

یکی از فقیهان معاصر که همراه با رأی مشهور در شرط ذکوره برای امام جماعت است، می‌گوید: جایز نبودن امامت زنان برای مردان ظاهراً حکمی قطعی است، هرچند من روایت معتبری که بر این حکم دلالت کند ندیدم.^۶ پرسش این است: پس از فحوص دلیل و نیافتن دلیل معتبری بر این حکم آیا می‌توان با تمسک به ذوق شارع یا عموماتی دیگر به راحتی نیمی از انسان‌ها را از حقی عمومی که بیش از آنکه عبادی باشد که اجتماعی است، محروم کرد؛ در امامت جمعه برای زنان نیز چالش همین است. به نظر می‌رسد وقتی زنان از حضور در نماز با حکم برخی به کراهت حضور یا با توصیه برخی به عدم حضور و مردانه دیدن این عمل اجتماعی و عبادی محروم می‌شوند، روشن است که نمی‌توان از مقوله‌ای به نام امامت جمعه اشتراک برای اثبات این جایگاه برای هریک از زن و مرد یاد کرد.^۷ بدون توجه به واقعیت‌های عصری صدور و نزول روایات، آیا نمی‌توان پاره‌ای از این روایات را بدان دلیل دانست که به صورت طبیعی چون ابتدای شکل‌گیری دین و دینداری است هنوز آن قدر زنان آماده برای این‌گونه جایگاه نبوده‌اند که تبدیل به یک مسئله شود؟ آیا نمی‌توان گفت این آموزه‌ها برای آن بوده است که فرهنگ جامعه هنوز آمادگی اصلاحات بنیادین را نداشته است؟

۱. موسوی گلپایگانی، توضیح المسائل، ۲۵۳، ۱۴۶۲م؛ صافی گلپایگانی، هدایة العباد، ۲۱۱/۱، ۱۲۴۲م.

۲. جمعه: ۹.

۳. کلباسی، نُخبة، ۲۰۶.

۴. کاشف‌الغطاء نجفی، انوار الفقاهة، ۴۸۵/۱.

۵. کاشف‌الغطاء نجفی، انوار الفقاهة، ۴۸۵/۱.

۶. منتظری، دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدولة الإسلامية، ۳۶۱/۱.

۷. منتظری، دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدولة الإسلامية، ۴۳۷/۱.

۳.۳. چالش‌های معطوف به حقوق خانواده

چالش‌های جدی در این باب را می‌توان در ساحت‌هایی همچون؛ مدیریت خانواده، حقوق جنسی زن و مرد، معیشت خانواده و بحث حقوق مالی زوجه، روابط فرزندان و والدین و... تعریف کرد که برای نمونه از دو ساحت مدیریت خانواده و حقوق جنسی زن و مرد یاد خواهد شد و چالش‌های مهم این دو، طرح خواهد شد.

أ. زن و مدیریت خانواده در رویکرد سنتی: زن در خانواده چه نقشی دارد؟ در مدیریت خانواده و بحران‌های آن، زنان چه ظرفیتی دارند؟ آیا در فقه سنتی اولاً، از ظرفیت زنان در مدیریت و حل بحران‌های خانوادگی بهره گرفته می‌شود؟ و ثانیاً، میزان بهره‌گیری از ایشان چگونه است؟

به نظر می‌رسد با توجه به مبانی پیش گفته در فقه سنتی و اعتقاد فقیهان سنتی به نقصان زنان به صورتی طبیعی نباید منتظر بهره‌گیری از توانمندی زنان بود. فقه سنتی همچنان زنان را پس از ازدواج و تشکیل خانواده همانند پیش از تشکیل خانواده نیازمند به قیم و سرپرست می‌داند و وقتی در نهاد خانواده، وی همچنان نیازمند قیم است، به صورت طبیعی نباید انتظار نقش‌آفرینی جدی را داشت.

سنت‌گرایان، جنسیت را مقوم انسانیت می‌دانند و رابطه آن را با هویت انسانی بسیار فربه تعریف می‌کنند، لذا حقوق انسانی را به آن گره زده و معتقدند حداقل نیمی از انسان‌ها که زنان هستند نه تنها ذاتی ناخودبسنند دارند، بلکه همیشه نیازمند سرپرست و کنترل‌کننده‌ای هستند. تا زمانی که تن به ازدواج نداده‌اند و باکره‌اند، تمشیت امور اصلی و حداکثری وی با پدر یا یکی از اولیای پدری است و آن‌گاه که ازدواج می‌کند تمشیت امور وی به صورت حداکثری تحت قیمومت همسر است، به گونه‌ای که به فتوای بسیاری از ایشان مستحب است مرد زن را در خانه زندانی کند و اجازه ندهد که وی به بیرون برود، مگر برای اموری که ضروری است.^۱

یکی از مصادیقی که چالشی خانوادگی است و فقه سنتی نه تنها در آن از ظرفیت زنان بهره نگرفته است، بلکه به راحتی آنان را نادیده انگاشته است؛ بحث نشوز در خانواده است.

فقیهان البته نشوز را در خصوص هر دو رکن خانواده؛ یعنی مرد و زن متصور دانسته‌اند،^۲ ولی در درمان ناشزه دو گونه رفتار داشته‌اند.

فقیهان سنتی آیه مربوط به درمان نشوز را از همان اول متوجه زنان دانسته^۳ و گویا فرض گرفته‌اند که

۱. طباطبائی، عروة الوثقی، ۴۸۳/۵؛ حکیم، مستمسک العروة، ۱۱/۱۴

۲. محقق سبزواری، کفایة الأحكام، ۲۶۶/۲

۳. محقق سبزواری، ۲۶۷/۲.

این آیه راهکاری در اختیار مردان است. شهید اول و به تبع ایشان، شهید ثانی در درمان نشوز مرد را خطاب قرار داده و در درمان می‌گویند: ۱. حَوْلَ ظَهْرِهِ إِلَيْهَا فِي الْمَضْجَعِ، ۲. ثُمَّ اعْتَزَلْهَا...، ۳. فَاذَا امْتَنَعَتْ مِنْ طَاعَتِهِ فِيمَا يَجِبُ لَهُ ضَرْبُهَا...^۱ ولی ایشان در صورت ناشزه شدن مرد می‌گویند که زن باید اقامه دعوا نزد حاکم ببرد تا حاکم وی را ملزم به رعایت حق زن کند و به تصریح پاره‌ای دیگر از فقیهان، حق زدن یا دوری‌گزیدن از مرد برای زن ثابت نیست.^۲

این رأی فقهی همان‌گونه که روشن است چالش‌های جدی دارد، به‌ویژه در جهان جدید که هرگونه تعرض جسمی اگرچه به نام تأدیب بدنی حتی در خصوص فرزندان را نمی‌پذیرد و آن را ناکارآمد می‌داند. نکته مهمی که در این‌گونه آرای فقهی مدنظر نیست، اذن زدن زن توسط مرد و نسبت آن با توهین و احساس حقارت زنان است. جالب‌تر آنکه شهید ثانی در توضیح رأی شهید اول درباره زدن زنان ناشزه می‌نویسد: اگر با زدن آرام، زن از نشوز برگشت که هیچ و الا تدرج الی الأقوی فالأقوی.^۳

ب. زن و چالش حقوق جنسی: چالش دیگر رویکرد سنتی در حقوق زنان، بحث حقوق جنسی زن و مرد است.^۴ در این مقوله در فقه اسلامی آرا و اقوال مختلفی وجود دارد که می‌توان آن‌ها را این‌گونه گزارش کرد:

۱. مشهور فقیهان شیعی، حق جنسی زنان را هر چهار ماه قمری یک‌بار می‌دانند که بیش از آن زن حق مطالبه ندارد و مرد هم موظف به تأمین نیست.^۵
۲. برخی فقیهان شیعی از الزام مرد به بیش از این به میزانی که زن را از انحراف حفظ کند، دفاع کرده‌اند.^۶

مشهور فقیهان شیعی، فقیهان سنتی، حق جنسی زنان را زمان‌مند کرده‌اند و آن را بیش از یک‌بار در چهار ماه بر مرد واجب نمی‌دانند.^۷ اما درباره حق جنسی مردان نسبت به زنان، زمان، مکان، آمادگی روحی و... مدنظر نبوده است و در تمکین ایشان مطرح نیست،^۸ تنها مانع حق جنسی مردان وجود مانع شرعی

۱. شهید ثانی، الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية، ۴۲۸/۵.

۲. محقق سبزواری، كفاية الأحكام، ۲۷۰/۲.

۳. شهید ثانی، الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية، ۴۲۸/۵.

۴. شفیعی و همکاران، تاریخ‌نگاری تحلیلی تغییر نگاه به شخصیت و حقوق زنان پس‌پایامبر (مورد پژوهشی: زن در عصر اُمویان)، پژوهشنامه تاریخ، ۴۷-۶۸.

۵. حب الله، المرأة في الفكر الإسلامي المعاصر قضايا و اشکالیات، ۳۳۵.

۶. طباطبائی، عروة الوثقی، ۸۱/۲.

۷. تراقی، مستند الشیعة، ۷۷/۱۶.

۸. محقق حلی، شرائع الإسلام في مسائل الحلال والحرام، ۳۴۷/۲؛ اراکی، ۷۴۲.

است.^۱ مردان، نه تنها بسط قلمرو حق جنسی دارند، بلکه راهکار تعدد ازدواج و در آموزه‌های شیعی ازدواج موقت را نیز دارند.

این رأی، چالش‌های متعددی دارد که از آن جمله می‌توان به رأی یکی از فقیهان معاصر در نقد رأی مشهور فقیهان اشاره کرد که می‌گوید: تشریح ازدواج برای پاک ماندن هریک از زن و مرد در برابر آلودگی به زناست و این رأی فقیهان در ناحیه زنان، تأمین‌کننده این دغدغه شارع نیست... و بر اساس این قول (رأی مشهور در حق جنسی) آیا برای ازدواج فایده‌ای برای زنان باقی می‌ماند؟^۲ شاید به همین دلیل است که پاره‌ای از فقیهان معاصر، سخن از مشابهت حق جنسی برای زن و مرد گفته‌اند؛ یعنی هریک از زن و مرد را موظف به تأمین نیاز جنسی طرف مقابل دانسته‌اند.^۳

نتیجه‌گیری

باتوجه به آنچه گفته شد به گمان نگارندگان با رفوگری‌های موضوعی آرای فقهی، به معنای نوآوری و بازسازی موردی که در جامعه پیرامونی دچار چالش شده و تغییر و تحولات مصلحتی تک‌مسائل و تک‌فروعات فقهی، نمی‌توان اولاً حقوق زنان در جهان جدید را تأمین کرد و ثانیاً از ظرفیت ایشان در ساحت‌های عمومی زیست انسانی بهره کامل و مناسب برد.

به همین دلیل می‌توان رویکرد فقه سنتی با همه خوانش‌های موجود در آن در ساحت حقوق زنان را برای نقش‌آفرینی در جهان جدید، به بازخوانی در مبانی و پیش‌فرض‌هایش دعوت کرد؛ چراکه نوآوری‌های موردی شاید در هر عصری پاسخ‌گوی چالش‌های آن لحظه باشد، ولی در طول تاریخ، فقه به جایی می‌رسد که روشدگی بر ذات فقه سیطره پیدا کند و هویت خود را از دست بدهد.

این رویکرد که طولانی‌ترین نگاه فقهی به جهان است و مشروعیتی حداکثری در جهان دارد و می‌تواند در جهان جدید نیز رقیبی جدی برای رویکردهای نوپیدا باشد، برای آنکه زیستی پرهیمنه داشته باشد باید چالش‌های فراروی خویش را که پاره‌ای از آن‌ها در این جستار اشاره شده‌اند به رسمیت بشناسد و پاسخی برای آن‌ها تدارک ببیند.

سنت‌گرایی در جهان جدید برای آنکه هزینه زیستن انسان معاصر را که در مصاف با مدرنیته به رنجی مضاعف گرفتار شده است، کم کند و رنجی بر شانه‌های انسان پیرامونی اش نیفزاید، می‌تواند به بازخوانی

۱. خمینی، رساله توضیح المسائل، ۲۶۳.

۲. فضل‌الله، کتاب النکاح، ۳۳/۱.

۳. فضل‌الله، کتاب النکاح، ۳۸ تا ۳۳/۱، ۱۶۴ تا ۱۷۴، فضل‌الله، دنیا المرأة، ۹۳ تا ۹۴.

دستگاه معرفتی خویش با بهره‌گیری از ره‌آوردهای عقلانی، علمی و تجربی انسان معاصر بپردازد.

منابع

قرآن کریم

- ابن ابی‌جمهور، محمد بن زین‌الدین. عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدّینیة. قم: سید الشهداء. ۱۴۰۳ق.
- ابن‌ادریس، محمد بن احمد. السرائر. قم: مؤسسه نشر اسلامی. چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
- ابوالصلاح حلبی، تقی بن نجم. الکافی فی الفقه. اصفهان: مکتبه الإمام امیرالمؤمنین. ۱۳۶۲.
- اراکي، محمد علی. کتاب النکاح. قم: نورنگار. ۱۳۷۷.
- اصفهانى، مهدى. ابواب الهدى. مترجم: حسین مفید. تهران: منیر. چاپ اول، ۱۳۸۹.
- امیرزاده جیرگلی، منصور. «مشتري‌نگاری زوج در احادیث باب نکاح و پیامدهای آن در آرای فقهای امامیه». فقه و اصول، س ۵۴، ش ۱۴۱، ۱۴۰۱، ص ۲۹-۵۴. doi: [10.22067/JFIQH.2021.71271.1143](https://doi.org/10.22067/JFIQH.2021.71271.1143)
- انصاری، مرتضی بن محمد امین. کتاب النکاح. قم: باقری. چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
- بحرانی، یوسف بن احمد. الحدائق الناضرة. قم: مؤسسه نشر اسلامی. چاپ دوم، ۱۴۱۴ق.
- بروجردی، محمد حسین. جامع احادیث الشیعة. قم: علمی، ۱۳۹۹ق.
- پوپر، کارل ریموند. اسطوره چارچوب (در دفاع از علم و عقلانیت). مترجم: علی پایا، تهران: طرح نو. چاپ سوم، ۱۳۸۹.
- جعفریان، رسول. رسائل حجاییه. قم: دلیل ما. چاپ دوم، ۱۳۶۸.
- جناتی، محمد ابراهیم. ادوار فقه و کیفیت بیان آن. تهران: کیهان. چاپ اول، ۱۳۷۴.
- جوادی آملی، عبدالله. حق و تکلیف در اسلام. قم: اسراء. ۱۳۸۴.
- حائری، شهلا. المتعه. بیروت: شركة المطبوعات. ۱۹۹۶م.
- حب‌الله، حیدر. المرأة فی الفكر الإسلامی المعاصر قضايا و اشکالیات. بیروت: الإنتشار العربی. چاپ اول، ۲۰۱۴م.
- حر عاملی، محمد بن حسن. وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة. قم: آل‌البیت. ۱۴۱۶ق.
- حسینی طهرانی، سید محمد. کاهش جمعیت ضربه‌ای سهمگین بر پیکر مسلمین. مشهد: بی‌نا. ۱۴۱۵ق.
- _____ . مطلع الأنوار. طهران: مکتب وحی. چاپ اول، ۱۴۳۳ق.
- _____ . ترجمه رساله بدیعه. مشهد: علامه طهرانی. چاپ دوم، ۱۴۱۸ق.
- حکیم، سید محسن. مستمسک العروة. قم: دار التفسیر. ۱۳۹۱.
- حکیم‌پور، محمد. حقوق زن در کشاکش سنت و تجدد. تهران: نغمه نواندیش. چاپ دوم، ۱۳۸۴.

- حکیمی، محمدرضا. مکتب تفکیک. قم: مرکز بررسی‌های اسلامی. ۱۳۷۳.
- خباز، محمد. صورة المرأة في التراث الشيعي. بيروت: الانتشار العربي. ۲۰۰۹م.
- خمينی، روح‌الله. رساله توضیح المسائل، حواشی: سيدعبدالکریم موسوی اردبیلی. قم: نجات، ۱۳۹۷.
- خویی، ابوالقاسم. التنقیح فی شرح العروة الوثقی. مقرر: علی غروی تبریزی. قم: لطفی. ۱۴۰۷ق.
- ذوعلم، علی. «تأملی در مفهوم چالش»، ماهنامه زمانه. س ۴، ش ۳۶، ۱۳۸۴، ص ۳۴ تا ۳۷.
- ذویب، حمادی. جدل الأصول و الواقع. بيروت: دار المدار الإسلامي، ۲۰۰۹م.
- رزاقی، حجت، محسن آرمن. بیم‌ها و امیدها، تهران: همشهری، ۱۳۷۸.
- رضوی، سیدمسعود. در مسیر سنت‌گرایی سیدحسین نصر و... تهران: علم. ۱۳۹۱.
- سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی. تحقق جامعه مدنی در انقلاب اسلامی ایران. تهران: مجموعه مقالات. ۱۳۷۶.
- سیستانی، سید علی. منهاج الصالحین. مشهد: پیام طوس (مکتب آیه الله العظمی السید السیستانی)، ۱۴۴۰ق. = ۱۳۹۷.
- شبيب الموسوی، سیدبلاسم. الجهد الأصولی عند العلامة الحلی. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی. چاپ اول، ۱۳۹۲.
- شیرینی زنجانی، سیدموسی. المسائل الشرعیة. قم: انتشارات مدرسه فقهی امام محمد باقر (ع)، ۱۳۹۷.
- شیرینی زنجانی، سیدموسی. کتاب النکاح. قم: بی‌نا، ۱۳۷۷.
- شفيعی، علی، منصور امیرزاده جیرکلی و محمدرضا کاظمی گلوردی. «تاریخ‌نگاری تحلیلی تغییر نگاه به شخصیت و حقوق زنان پس‌پایامبر (مورد پژوهشی؛ زن در عصر أمویان)»، پژوهشنامه تاریخ، س ۱۶، ش ۶۳، ۱۴۰۰، ص ۴۷-۶۸.
- شمس‌الدین، محمدمهدی. مسائل حرجه فی فقه المرأة: الستر و النظر. بيروت: المنار. چاپ اول، ۱۹۹۶م.
- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی. الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة. قم: چاپخانه علمیه. چاپ دوم، ۱۳۹۵ق.
- صاحب‌جواهر، محمدحسن بن باقر. جواهر الکلام. تهران: دار الکتب الإسلامية. چاپ هفتم، ۱۴۳۲ق.
- صاحبی، محمدجواد. مناسبات دین و فرهنگ در جامعه ایران. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. ۱۳۸۴.
- صانعی، یوسف. مقاربات فی التجدید الفقهی. مترجم: حیدر حب‌الله. بيروت: الانتشار العربي. چاپ اول، ۲۰۱۰م.
- صدر، محمد. ماوراء الفقه. قم: احیاء الکتب الإسلامية. ۱۴۳۷ق.
- _____ منہج الصالحین. قم: احیاء الکتب الإسلامية. ۱۴۳۷ق.
- صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراهیم. الأسفار الأربعة. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. ۱۳۸۱.
- طباطبائی، محمدکاظم. عروة الوثقی. قم: مؤسسه نشر اسلامی. ۱۴۲۰ق.

- طوسی، محمدبن حسن. المبسوط فی فقه الإمامیه. قم: دار الكتاب الإسلامی. چاپ اول، ١٩٩٢م.
عراقی، ضیاء الدین. کتاب القضاء: شرح تبصرة المتعلمین. محقق: محمد هادی معرفت، قم: مهر. چاپ اول، بی تا.
عسکری، حسن بن عبدالله. معجم الفروق اللغویة. قم: مؤسسه نشر اسلامی. چاپ اول، ١٤١٢ق.
عظیمی نژادان، شبنم. زن، معمار جامعه مردسالار. تهران: اختران. چاپ اول، ١٣٨٤.
علامه حلی، حسن بن یوسف. تذکرة الفقهاء. قم: آل البيت. ١٤٠٠ق.
_____ ارشاد الأذهان إلى احکام الإيمان. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه، ١٤١٠ق.
_____ منتهی المطلب فی تحقیق المذهب. مشهد: مجمع البحوث الإسلامیه. چاپ اول، ١٤١٢ق.

- علم الهدی، علی بن حسین. الانتصار. نجف: مطبعة الحیدریة. ١٣٩١ق.
علی بن موسی، امام هشتم. فقه الرضا. قم: آل البيت. ١٤٠٦ق.
فاضل کاظمی، جواد. مسالک الأفهام. قم: مرتضوی، ١٤٢٩ق.
فرج، ریتا. امرأة الفقهاء و امرأة الحدائث: خطاب اللامساواة فی المدونه الفقهية. بیروت: دار التنویر. ٢٠١٥م.
فضل الله، سید محمد حسین. دنیا المرأة. بیروت: دار الملائک. چاپ چهارم، ١٩٩٨م.
_____ کتاب النکاح. به قلم: جعفر الشاخوری. بیروت: دار الملائک، ١٤١٧ق.
_____ الاجتهاد بین اسر الماضي و آفاق المستقبل. بیروت: المركز الثقافی العربی. چاپ اول، ٢٠٠٩م.

- فناهی، ابوالقاسم. اخلاق دین شناسی. تهران: نگاه معاصر. چاپ اول، ١٣٨٩.
فیض کاشانی، ملامحسن. عقبات الدنیا. قم: ذوی القربی. چاپ دوم، ١٤٢٧ق.
فیومی، احمد بن محمد. مصباح المنیر. قم: دار الهجرة. ١٤١٤ق.
قوسی، مفرح. حکم الاختلاط. بی جا: بی تا. بی تا.
کاشف الغطاء نجفی. حسن بن جعفر. انوار الفقاهة. قم: المركز العالی للعلوم و الثقافة الإسلامیه. چاپ اول، ١٤٣٦ق.
کلباسی، محمد ابراهیم. نخبة (رسالة عملیة فارسی). تهران: امیرکبیر. ١٣٩٠.
گلپایگانی، سید محمد رضا. کتاب القضاء. قم: شریعت. چاپ دوم، ١٤١٣ق.
لوید، ژنویو. عقل مذکر (مردانگی و زنانگی در فلسفه غرب). مترجم: محبوبه مهاجر. تهران: نی. چاپ سوم، ١٣٨١.
مجلسی، محمد تقی بن مقصود علی. روضة المتقین. قم: دار الكتاب الإسلامی. ١٤٢٩ق.
مجموعه مؤلفان. فقه المرأة: دراسة نقدیه و منطلقات التجدید المنهجی. بیروت: مرکز الحضارة لتنمية الفكر الإسلامی. چاپ اول، ٢٠٠٨م.
_____ مؤتمر النص الشرعی: القضايا و المنهج. عربستان: جامع القصیم. چاپ اول، ١٤٣٧ تا ١٤٣٨.

شفیعی و دیگران؛ خوانش انتقادی رویکرد فقه سنتی به حقوق زنان (مبانی و چالش‌ها) // ۱۴۷

- محسنی، محمدآصف. القضاء والشهادات. قم: سیدالشهداء. ۱۴۰۴ق.
- محقق حلی، جعفر بن حسن. شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام. قم: اسماعیلیان. چاپ دوم، ۱۴۰۸ق.
- _____ المختصر النافع فی فقه الإمامیة. قم: مطبوعات دینی، ۱۴۱۸ق.
- محقق سبزواری، محمدباقر بن محمد مؤمن. کفایة الأحکام. محقق: مرتضی واعظی اراکی. قم: مؤسسه نشر اسلامی. ۱۳۸۱.
- مرتضوی، سیدضیاء. نگاه فقهی به حضور زنان در عبادت‌های جمعی. تهران: معاونت فرهنگی شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه. ۱۳۸۸.
- مطهری، مرتضی. نظام حقوق زن در اسلام. تهران: صدرا. چاپ چهل و یکم، ۱۳۸۴.
- مفید، محمد بن جعفر بن نعمان. المقتنعة. بی‌جا: محمدتقی بن محمد مهدی تبریزی. ۱۳۷۴.
- مقری، محسن. «قدرت خدای پویشی: چالش الهیات پویشی در مسئله شر»، معرفت کلامی. س ۱۰، ش ۲۲، ۱۳۹۸، ۶۵ تا ۶۵.
- مکارم شیرازی، ناصر. استفتانات جدید. قم: مدرسه الإمام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، ۱۴۲۷ق.
- ملکیان، مصطفی. «الإسلام والنسویة سیادة الرجل»، مجلة نصوص معاصرة. بیروت: مرکز البحوث المعاصرة. س ۲، ش ۶، ۲۰۰۶م، ص ۱۲۱ تا ۱۴۰.
- ملکیان، مصطفی. مشتاقی و مهجوری. تهران: نگاه معاصر. چاپ چهارم، ۱۳۹۱.
- منتظری، حسینعلی. دراسات فی ولاية الفقیه و فقه الدولة الإسلامیة. قم: دار الفکر. چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
- مهریزی، مهدی. شخصیت و حقوق زن در اسلام. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. چاپ اول، ۱۳۸۲.
- موسوی غروی، سید محمد جواد. مبانی حقوق در اسلام. تهران: نگارش. چاپ دوم، ۱۳۹۶.
- نراقی، احمد بن محمد مهدی. مستند الشیعة. قم: آل‌البيت. چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
- نصر، سید حسین. اسلام سنتی در دنیای متجدد. مترجم: محمد صالحی. تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی. ۱۳۸۶.
- نصیری، منصوره. «بررسی آموزه کمال الهی در الهیات پویشی»، مجلة قیاسات. س ۲۳، ش ۲۳، ۱۳۹۷، ص ۸۹ تا ۱۱۹.
- نوری همدانی، حسین. هزار و یک مسئله فقهی. قم: مهدی موعود (عج)، ۱۳۸۸.
- همتی، همایون. «مقایسه الهیات معاصر با الهیات سنتی»، مجلة معرفت ادیان. س ۲، ش ۴، ۱۳۹۰، ص ۳۱ تا ۵۰.
- وحید خراسانی، حسین. منهاج الصالحین. قم: مدرسه امام باقر العلوم (ع)، ۱۳۹۸.